

دورهٔ پیش از دبستان و رویکرد کودک محور

دکتر فرخنده مفیدی

استاد دانشگاه علامه طباطبایی

انسان اهمیت شایان توجهی دارد.

۲. توجیه اقتصادی (تحلیل هزینه - فایده و سودآوری)

گاه ممکن است سرمایه‌گذاری برای تربیت کودکان در سال‌های اولیه، والدین و خانواده‌ها را قدری نگران کند اما باید دانست برای تربیت، هرچه سرمایه‌گذاری مالی داشته باشیم و البته به نحو معقول و حساب شده هزینه کنیم، فواید و بهره‌دهی آن در سال‌های بالاتر رضایت‌بخش‌تر و امیدوارکننده‌تر است. به دلیل همین سودآوری اقتصادی است که بعضی جوامع سرمایه‌گذاری برای تربیت انسان از سال‌های پایه را سرنوشت‌ساز دانسته‌اند؛ مثلاً در بعضی کشورها هزینه کردن یک دلار در این سال‌ها به افزایش ۱۲-۸ دلار انجامیده است.

کشور دانمارک بیشترین سرمایه‌گذاری را با ۲ درصد تولید ناخالص ملی در حوزهٔ خدمات کودکان زیر شش سال داشته است و پس از آن کشورهای سوئد، فنلاند، فرانسه، آمریکا، استرالیا و کانادا قرار دارند.

امروزه که زیر پوشش قرار دادن حداقل ۷۰ درصد از کودکان زیر شش سال را نشانه و شاخص توسعهٔ کشورها و جوامع دانسته‌اند، خانواده‌ها باید بتوانند برنامه‌ریزی مناسبی برای فرزندانشان در سنین اولیه داشته باشند و با انتخاب مراکز تربیتی شناخته شده و هدفمند

و رشد سخنگویی کودکان، که تا هجده سالگی صورت می‌گیرد، در هشت سال اول زندگی کسب می‌شود.

● در حدود ۵۰ درصد از اکتساب‌های آموزشی کلی کودک که تا هجده سالگی حاصل می‌شود، در نه سال نخست زندگی شکل می‌گیرد.

بنابراین، سال‌های نخستین برای رشد کلی کودک بسیار حساس است و هر کودک برای رشد به محیط تربیتی پرباری نیاز دارد.

اهمیت و ضرورت تولد تا شش سالگی و دوران پیش از دبستان را شاید بتوان از چهار منظر زیر بهتر و ساده‌تر توصیف کرد:

۱. منظر بیولوژیک (یافته‌های پژوهشی حوزه عصب‌شناختی و مغز محور)

می‌دانیم که رشد فرایندی مستمر است و طی آن کودک به تدریج تغییراتی می‌یابد ولی به‌عنوان مادر، مربی و افراد حرفه‌ای در این مراکز آموزشی باید به خاطر داشته باشیم که دوران رشد نیز چالش‌ها و فرصت‌های خاص خود را دارد. تحقیقات مغز محور، که عمدتاً به رشد مغز کودکان در سال‌های اولیه توجه دارند، مؤید این مطلب‌اند که در این دوره کانال‌ها و شاهراه‌های ارتباط عصبی (نورون‌ها، دندریت‌ها و آکسون‌ها و شبکه‌های ارتباطی بین آن‌ها) رشد سریع و بی‌بدیلی دارند که تأثیر آن‌ها بر یادگیری و رشد مادام‌العمر

کلیدواژه‌ها: آموزش‌های کودک محور، سازگاری اجتماعی، دورهٔ پیش از دبستان

آموزش و پرورش پیش از دبستان رشته‌ای جالب و غنی است. بسیاری از اندیشمندان، صاحب‌نظران و محققان به اهمیت و ضرورت این دوره از ابعاد مختلف رشد فیزیکی، اجتماعی، شناختی، روانی، زبان‌شناختی، زیبایی‌شناختی و خلاقیت به کودکان و یادگیری‌های آنان نگرسته‌اند. دستاوردهای تحقیقی و دیدگاه‌های آنان نشانگر حساسیت ویژه‌ای است.

رشد کودک در سال‌های اولیه بسیار سریع است. رشد کنجکاوی، علائق، مبانی شکل‌گیری شخصیت، رشد اجتماعی و سازگاری، رشد مغز، زبان و گفتار در این سال‌ها چنان سریع است که از دست‌دادن فرصت‌ها و فراهم آوردن زمینه‌های مناسب برای توجه و آموزش و تربیت کودکان بسیار جبران‌ناپذیر است. آنچه در این دوران شکل می‌گیرد، دوام و پایداری زیادی دارد و بر سرنوشت تربیتی و آیندهٔ کودک تأثیر عمیقی می‌گذارد.

نتایج تحقیقاتی که تاکنون به‌عمل آمده نشان داده است که:

- در حدود پنجاه درصد از رشد هوشی کودک بین زمان تولد و چهار سالگی و در حدود هشتاد درصد بین چهار تا شش سالگی صورت می‌گیرد.
- در حدود پنجاه درصد از یادگیری لغات

و دارای برنامه‌های کیفی، سرمایه‌گذاری ایمن و مطلوبی را برای آینده خانواده و فرزندان‌شان رقم بزنند.

۳. توجیه اجتماعی

رشد اجتماعی و سازگاری کودکان در این دوران به قابلیت الگوهای مناسب و رفتارهای بزرگ‌ترها و کنش و واکنش‌های اجتماعی مطلوب بستگی دارد. روان‌شناسی مدرن نشان داده است که تجارب کودکان آثار عمیقی بر قابلیت‌ها و توانایی‌های آن‌ها در برقراری ارتباط عاطفی دوره بزرگسالی‌شان دارد. کودکان قدرت تقلید و همانندسازی زیادی دارند. در ارتباط سازنده با مربیان، مادر، پدر و بزرگ‌ترهاست که کودکان رفتار و برخورد با دیگران را

یاد می‌گیرند و با اجتماع سازگار می‌شوند. شکل‌گیری سازگاری اجتماعی مطلوب در این دوره در سراسر عمر می‌تواند پایدار باشد و به شکل‌گیری شخصیت فرد بینجامد؛ به طوری که حتی رفتار اجتماعی همپایه و بلکه ممتازتر از هوش فرد تلقی می‌شود.

۴. توجیه آموزشی (عملکرد و پیشرفت تحصیلی مطلوب در طول دوره تحصیل و آینده)

یافته‌های تحقیقی بسیار در ایران و سایر کشورها نشان داده است که برنامه‌های باکیفیت آموزشی می‌توانند موفقیت و چشم‌انداز آینده کودکان را رقم بزنند. کودکانی که به مراکز آموزش پیش‌دبستان راه یافته و سال‌هایی را از برنامه‌های آموزشی و پرورشی سازنده و پربار برخوردار شده‌اند، در مقایسه با کودکانی که به هر دلیل از

نعمت آموزش‌های این دوره محروم بوده‌اند، از امتیازات زیادی برخوردار شده‌اند. نقش این امتیازات در پیشرفت تحصیلی و در زمینه‌های خواندن، نوشتن، حساب کردن، علوم، ریاضی و استدلال کردن و فکروورزی و نیز رشد اخلاقی چشمگیر بوده است و همه این یافته‌ها در تحقیقات کشوری و ملی ما نیز هویدا است.

بنابراین و با شواهد فعلی، آموزش و پرورش پیش از دبستان از ضرورت تام برخوردار است و خوشبختانه در سیاست‌های اخیر نظام آموزشی، سند تحول و چشم‌انداز ملی، و برنامه درسی ملی کشور نیز از جایگاه مطلوبی برخوردار شده و به‌عنوان دوره‌ای رسمی از آن یاد شده است که نشانه رشد و پختگی و بلوغ در تصمیم‌گیری‌ها می‌باشد.



و اما رویکرد آموزشی کودک محور در برنامه‌های آموزشی این دوره

رویکردهای گوناگونی براساس مدل‌های آموزشی در دنیا برای یادگیری و آموزش کودکان این دوره مطرح شده است. این مدل‌های آموزشی بر پایه نظریه‌ها و تئوری‌های حاصل از اندیشه صاحب‌نظران استوارند.

رویکردهای کودک محور، معلم محور، رشدی - شناختی و موارد دیگر شاخص‌ها و مؤلفه‌های ویژه‌ای دارند که باید با ویژگی‌های یادگیرندگان و سن و توانایی‌های یادگیری آن‌ها تناسب داشته باشد.

شاید بتوان الگوهای کودک محور را به ظهور اندیشه‌های پیشین و با افکار ژان ژاک روسو که از او به‌عنوان پدر نهضت کودک‌محوری یاد می‌شود قرین دانست. **فردریک فروبل**، که وی نیز پدر کودکستان لقب گرفته است، تا حدود زیادی از این رویکرد در برنامه آموزشی خود برای کودکان ۳-۷ سال بهره گرفته است و البته پیروان بسیاری نیز دارد.

شاید در اینجا فرصت بحث در مورد سایر مدل‌ها و رویکردها نباشد و به همین دلیل تنها درباره رویکرد کودک محور، که دلیل تنها درباره رویکرد کودک محور، که در برنامه‌های آموزشی کودکان زیر شش سال هم جایگاه مطلوب و سازنده و مثبتی دارد، بیشتر بحث می‌کنیم.

ویژگی‌های رویکرد کودک محور

در این رویکرد کودک نقش فعال و تعیین‌کننده‌ای دارد. می‌تواند انتخاب کند، تصمیم بگیرد، استقلال فکر و اندیشه داشته باشد، دیدگاه‌ها و عقاید خود را به راحتی بیان کند و در کارها و فعالیت‌ها احساس وابستگی نکند.

در برنامه‌های مبتنی بر این رویکرد به نیازهای همه‌جانبه کودکان توجه اصولی می‌شود تا شایستگی‌ها و نقاط قوت و ضعف او شناخته شوند. البته کودک نباید از ضعف‌های خود هراسی داشته باشد بلکه خودبایی و خودشناسی مطلوبی پیدا می‌کند. خوداصلاحی، کار خود خواست و فکروزی در زمینه‌های مختلف فرد را برای عبور از بحران‌ها و مشکلات آماده می‌کنند.

نقش مربی و فرد بزرگ‌تر نقشی راهنما، هدایتگر و مهرورز است.

تا جایی که لازم باشد و کودک از ایمنی برخوردار باشد، در فعالیت‌ها و کنش‌های او از جانب بزرگ‌ترها مداخله افراطی و یا حتی خواسته و دست و پاگیر صورت نمی‌گیرد. حتی مقررات و دستورالعمل‌ها نیز با همکاری، مشارکت فکری و همراهی با کودک وضع می‌شوند. کودک چون آغازگر فعالیت و کار و عمل است احساس شکست کمتری دارد و موفقیت‌هایش او را با غرور

کاذب مواجه نمی‌کند. نقش فعال کودک از یک طرف و نقش راهنمایی‌کننده مربی و فرد بزرگ‌تر از جانب دیگر محیطی شاد و پذیرا، بدون رعب و وحشت و انعطاف‌پذیر فراهم می‌آورد. این محیط انگیزه‌های فراوانی برای نظام یاددهی و یادگیری ایجاد می‌کند. محیطی که پروژه‌های مشارکتی و بر پایه همکاری، همفکری و همراهی کودک با کودک و مربی و کودک صورت می‌پذیرد.

سیستم پاداش و تقویت و عبرت‌آموزی برخلاف دیگر رویکردها و به‌ویژه معلم‌محوری، بر پایه عطف و مهربانی استوار است. تنبیه نه به معنای فیزیکی، که البته ممنوع و مذموم است، بلکه به معنای پی بردن به مورد نادرست و اصلاح رفتار، فارغ از ترس افراطی صورت می‌گیرد و شاید بتوان گفت در جریان ارتباط، فراوانی و تعداد جمله‌ها و دستورالعمل‌های منفی و «نه» بسیار کمتر از مثبت‌ها و «آری» است. در این صورت کودکان با هدایت بزرگ‌ترها و با آسودگی و امنیت روانی بیشتر و تکیه بر عنصر شادی و شادکامی در مراکز آموزشی روزگار می‌گذرانند و شخصیت مثبت، غیرمضطرب و مطلوبی پیدامی‌کنند.

امید است، در برنامه‌های تنظیم شده برای کودکان، از این رویکرد نیز با آگاهی و پختگی بهره گرفته شود.

